

عنوان مقاله: تدوین و سنجش‌پذیری مقیاس مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه ساختیابی گیدنز

نویسندگان: وجیهه جلائیان بخشنده وحید قاسمی، محمد تقی ایمان

منبع: دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر

سال هفتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷ صص ۱۳۵ تا ۱۶۰



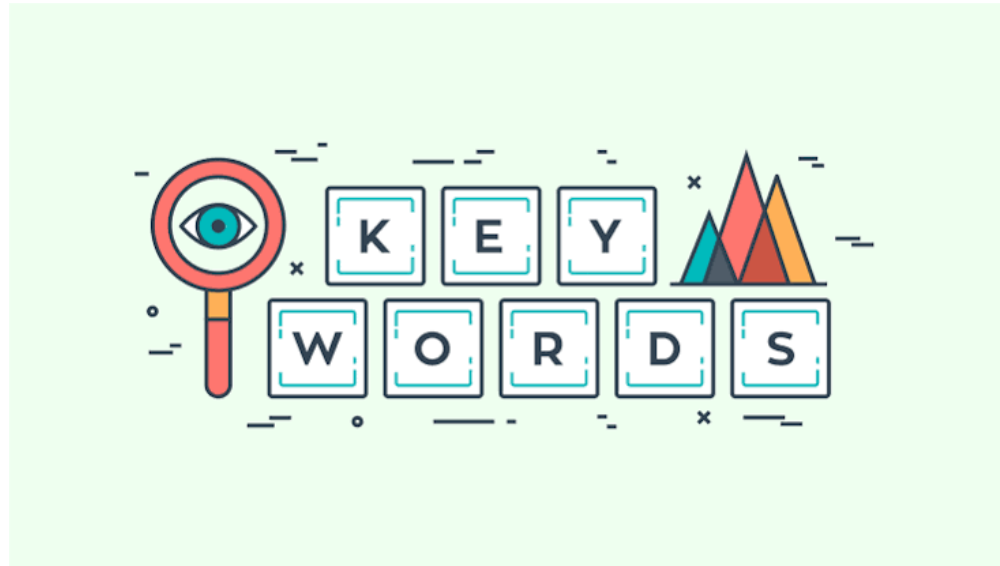
تعیین اعتبار سنجش پذیری پایایی آن

- هدف از انجام این پژوهش، تدوین پرسشنامه مدارای اجتماعی بر مبنای نظریه گیدنز و ساخت یابی و تعیین اعتبار سنجش پذیری پایایی آن بوده است. روش این پژوهش، پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه است. به منظور تعیین اعتبار از یک نمونه ۸۹۵ نفری و به منظور تعیین پایایی، دو نمونه ۶۰ و ۵۰ از جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر اصفهان با نمونه گیری طبقه تصادفی روش های نسبی انتخاب شدند. در این تحقیق برای تعیین اعتبار پرسشنامه مدارای اجتماعی، از روشهای اعتبار محتوا، صوری و سازه و برای تعیین پایایی پرسشنامه، از دو روش سازگاری درونی و ثبات استفاده گردید.

- یافته های تحلیل عاملی اکتشافی سازه نشان داد مدارای اجتماعی بر مبنای نظریه ساختیابی، دارای **سه بعد** همسازی ساختار و عاملیت، انتظارات عاملیت از ساختار و انتظارات ساختار از عاملیت است و هر کدام از ابعاد مدارای اجتماعی بارهای عاملی قابل قبولی دارد. پایایی کل پرسشنامه با آلفای کرونباخ $0/88$ ، پایایی تمام ابعاد مدارای اجتماعی با آلفای کرونباخ بالاتر از $0/7$ و ضریب بازآزمایی $0/69$ نیز در حد مطلوب است؛ بنابراین پرسشنامه تدوین شده مدارای اجتماعی دارای اعتبار سازه و پایایی است و می تواند در تحقیقات اجتماعی به سنجش منظور وضعیت مدارای اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه ها:

- سنجش پذیری، اعتبار، پایایی، مدارای اجتماعی، نظریه ساخت .یابی



مقدمه و بیان مسأله

- در دنیای انسان تفاوت کنونی ها بیش از گذشته مشاهده می شود که گوناگونی این امر از گروه توجیهی قابل ها، نهادها، هویتها، طبقات، زندگی و های سبک نگرشها را با خود به همراه داشته است. تفاوت اگرچه بخشی جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی و اصل اساسی حیات انسانی است، اما این تفاوتها، پیوندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است، چرا که افراد، گروهها و فرهنگهای گوناگون، برخورد مشابهی در زمینه حل تعارضها و تضادها ندارند. به تعبیر (جهانبگلو ۱۳۸۱: ۲) زندگی در چنین فضایی میتواند هم نگران کننده و هم نویدبخش باشد که هم میتواند منجر به شکلگیری پیوندهای انسانی و همزیستی صلح آمیز شود و هم امکان بروز رفتارهایی تنشزا را فراهم سازد. اداره تضادهای برخاسته از گروهبین افراد و هایتفاوت ها، راه های متفاوتی دارد. مدارا یکی از این راههاست.

• **در صورت وجود مدارا، روحیه نقادی و مسؤولیتپذیری رشد میکند،** روابط کلامی و ارتباطی بهبود یافته و امکان گفتگو در جامعه فراهم می شود و افراد جامعه برای کسب تجربیات تازه و گسترش نوآوری و مشارکت اجتماعی آماده میشوند. مدارا میتواند بسترساز اعتماد و امنیت در جامعه بوده و به واسطه شکل گیری روابط معنی دار، روحیه جمعی را تقویت نماید و در صورت فقدان آن، روحیه انزواطلبی، تکروی و گریز از کار جمعی در جامعه تقویت میشود.

- در ایران تنوع فرهنگی زیادی وجود دارد و آموختن و نهادینه کردن مدارا، میتواند سلامتی جامعه را تضمین کند، چرا که بسیاری از خشونتهای قومی، مذهبی و نژادی نتیجه عدم مدارا یا مدارای پایین است. همچنین مدارا در جامعه بین افراد و گروههای سنی مختلف، به ویژه جوانان به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه، ما را به سمت جامعه ای سالم می کشاند.

بین افراد و گروههای سنی مختلف

- فرهنگ مدارا از دیرباز بوده و در عصر زیادی توجه متفکران مورد دو چندان توجه کنونی ان شده است. مدارا به معنای به رسمیت شناختن و احترام به تفاوتها به از سوی کسانی ویژه است که **قدرت بیشتری در فضای تعاملات اجتماعی** دارند. حضور آن در فرایند تعاملات، در فرایند آن . حضور دارند بقا و تقویت همبستگی کمک می کند (مک و کاستیگون، ۲۰۰۳ :۸۹). مدارا دامنه ای از **خودداری و شکیبایی یا تحمل آشکار** نسبت به پذیرش افرادی است که متفاوت از ما می باشند، بر جنبه مثبت رفتارها و انتظارات اجتماعی تأکید میکند و ماهیتاً به نفع اجتماع است (اوبردیک، ۲۰۰۱، رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱)؛

جنبه مثبت رفتارها و انتظارات اجتماعی

- و برابری، احترام و پذیرش، همزیستی عقاید، ارزشها و تفکرات را امکانپذیر میسازد (ویتنبرگ و برتراس ۲۰۱۲: ۲۹۰ و داسش، ۲۰۰۲) مدارا این قدرت را دارد که بر تفاوتها و تعصبات و دشمنی بین مردم غلبه کرده **همزیستی صلح آمیز** را برقرار سازد (ون دورن، ۲۰۱۴، ۹۱۸) به عبارتی میتوان اینگونه بیان کرد که مردم حق دارند بر اساس باورهایشان رفتار کنند، حتی اگر باورها و رفتارهای منبعث از آن، مورد قبول ما نباشد و لازمه مداراجو بودن پذیرش تفاوتهای افراد در نگرش، گفتار، رفتار و ارزشها است

باورها و رفتارهای منبعث از آن

- مدارا **هم در رفتار و هم در کردار افراد**، ظاهر میشود، بنابراین نوعی نگرش و الگوی کنش احترامآمیز نسبت به افراد، گروهها و عقاید و اعمال آنها و نیز موضوعاتی است که مورد تأیید و پسند فرد نیست. بشیریه معتقد است مدارا به معنی بیتفاوتی نیست، بلکه **مبتنی بر نوعی خودداری است**، چرا که در بیتفاوتی میل اولیه به مخالفت وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۵)

- آنچه که امروزه از تحقیقات تجربی در مورد مدارا میدانیم، عمدتاً مرتبط با مدارای سیاسی است؛ ماهیت مدارا، **شرایط اجتماعی** که مدارا در آن بروز پیدا میکند و فرایندهای اجتماعی که منجر به مدارا یا عدم مدارا میشود، عمدتاً در زیرمجموعه مرتبط با مدارای سیاسی قرار گرفته است (گیبسون، ۲۰۰۶؛ واندرنول و همکاران، ۲۰۱۲) از طرف دیگر مقیاس مناسب برای سنجش مدارا موضوع مناقشات فراوانی بوده است (گیبسون، ۲۰۰۵؛ موندارک و ساندرس، ۲۰۰۵).

منجر به مدارا یا عدم مدارا

- ورکویتن و همکاران (۲۰۰۷) تحقیقی تجربی انجام دادند و نتایج مشخص کرد که افراد بین کنشهای مختلف و گروههای مختلفی که با آنها در ارتباط اند تمایز قائل میشوند و مدارای متفاوتی را نسبت به آنها از خود نشان میدهند. چنانچه رابینسون اشاره میکند آنها در مورد اینکه **با چه کسی، در مورد چه موضوعی و تحت چه شرایطی** مدارا داشته باشند به صورت انتخابی عمل میکنند (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۵)؛ بنابراین مدارا نمیتواند یک مفهوم و سازه جهانی باشد و بایستی **یک مفهوم چند سطحی و بسته** به شرایط در نظر گرفته شود (ون دورن، ۲۰۱۴: ۹۱۲)

تمایز



آنتونی گیدرز

• همچنین مطالعات تطبیقی بین المللی نشان میدهد که عوامل ساختاری در سطح کلان نیز بر مدارای افراد اثرگذار است (واندرنول، ۲۰۱۲؛ پفرلی و روشنایدر، ۲۰۰۳) ولی مطالعاتی که در بررسی و تبیین مدارا هر دو سطح خرد و کلان را در نظر بگیرند بسیار کم هستند. به نظر میرسد تاکنون، برای تبیین جامعه شناختی مدارای اجتماعی در ایران نیز، نظریاتی که هر دو سطح خرد و کلان را در تحلیلها مدنظر قرار دهند، به کار برده نشده است.

- به همین دلیل با انتخاب نظریه ساختیابی به عنوان نظریه ای ترکیبی که **هر دو سطح کلان و خرد** را در نظر میگیرد و آنها را از یکدیگر جدایی ناپذیر میداند در پی طراحی **مقیاس جدیدی از وضعیت مدارای اجتماعی و شناسایی ابعاد احتمالی آن** برآمدیم. این نظریه در انتقاد به نظریه های خرد و کلان گذشته است.

- تأکید نظریات خرد بر کنش اجتماعی و توجه به کنشگران و تأکید نظریات کلان بر ساختارهای اجتماعی و الزام آور بودن آنها است. ولی گیدنز در نظریه خود ساختار و عاملیت را دو روی یک سکه میداند. تأکید زیاد بر عاملیت راه را برای رفتارهای صرفاً خالقانه هموار میسازد و موجب آنارشی و بینظمی میشود و از طرفی تأکید افراطی بر ساختارها در کنش نیز راه را برای دیکتاتوری باز میکند. ولی اگر این دو سطح را در تعامل با یکدیگر ببینیم، میتواند درک ما از مدارا، شرایط بروز و عوامل مؤثر بر آن افزایش یابد. در همین راستا، **هدف اصلی این پژوهش تدوین و سنجشپذیری و بررسی اعتبار و پایایی مقیاس وضعیت مدارای اجتماعی بر مبنای این نظریه است**

تأکید نظریات کلان بر ساختارهای اجتماعی و الزام آور بودن آنها

۲-پیشینه پژوهش

- مدارا و عوامل موثر بر آن از جمله موضوعاتی است که در پژوهش ها و پایان نامه های مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ وضعیت سنجش اما مدارای اجتماعی و ابعاد آن شناسایی به صورت مستقل و مبتنی بر شرایط جامعه ایران بررسی نشده است. در تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته، سنجش مدارا عمدتاً یا مبتنی بر نظریه کینگ (۱۹۷۴) مانند سراج زاده و همکاران (۱۳۸۳) علیزاده (۱۳۸۷) ترکارانی (۱۳۸۹) ادیبی و همکاران (۱۳۹۱) حسینزاده و همکاران (۱۳۹۳) و یا مبتنی بر نظریه وگت (۱۹۹۷) بوده است مانند شارعیپور و عسگری (۱۳۸۸) شارعیپور و همکاران (۱۳۸۸) مقتدایی (۱۳۸۹) گلابی و همکاران (۱۳۹۱) بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) گلابی و رضایی (۱۳۹۲) شریفی (۱۳۹۲) نیز در کار خود ترکیبی از نظریه کینگ و وگت را برای سنجش مدارای اجتماعی بکار برده است.

•

- کینگ مدارا را بر حسب موضوع، به سه دسته مدارای **هویتي، سياسي و رفتاري** تقسیم کرده است. مدارای هویتی شامل مدارا نسبت به ادیان دیگر (مدارای دینی) مدارای نسبت به افراد ملیتهای دیگر (مدارای ملیتی) و مدارا نسبت به قومیت های دیگر (مدارای قومیتی) میشود. مدارای سیاسی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و حق اعتراض برای است که مورد گروه های تأیید فرد نیستند و عدم مدارای رفتاری برخی نسبت به سخت گیری الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند و شامل **الگوهای روابط جنسیتی، جرم و مجرمان** می شود (شارعیور و عسگری، ۱۳۸۸، ۹-۱۰)

شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف و حق اعتراض

- محققانی که این نظریه را برای سنجش مدارا به کار برده اند، مدارای اجتماعی را با ابعاد هویتی، سیاسی و رفتاری سنجیده‌اند. بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) مدارا در برابر زنان را نیز به ابعاد مدارای اجتماعی مبتنی بر نظریه کینگ افزوده اند. وگت مدارا را یک گرایش رفتاری در نظر می‌گیرد که در این معنا رفتار در مقابل نگرش قرار می‌گیرد. وی مدارا را به سه دسته تقسیم میکند که با یکدیگر همپوشانی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی.

•

- منظور او از مدارای اجتماعی، مدارا نسبت به حالت های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی هایی که از هنگام تولد همراه افراد است، مثل رنگ پوست و جنسیت و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می کند مانند زبان صحبت کردن (فلپس، ۲۰۰۴، ۲۴: به نقل از عسگری و شارع پور، ۱۳۸۸: ۶-۷) بنابراین آن دسته از تحقیقاتی که از نظریه وگت برای تبیین مدارا استفاده اند کرده اند مدارا عموماً مشتمل بر سه بعد مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته اند

- تحقیقات مرتبط با مدارا در خارج از کشور، عمدتاً به دنبال شناسایی عوامل مرتبط با مدارا از قبیل تمایلات شخصی یا انتظارات فردی در سطح خرد هستند (سولیوان و ترنسو، ۱۹۹۹). همچنین اکثر تحقیقاتی که انجام شده، تاکنون به جای بررسی واقعی کنش‌های مرتبط با مدارا، بیشتر به دنبال اصول انتزاعی مدارا بوده‌اند (ورکویتن، ۲۰۰۷؛ ورکویتن و اسلوتر، ۲۰۰۸).

تمایلات شخصی یا انتظارات فردی

- ویتنبرگ و برتروس (۲۰۱۳) در تحقیق خود به بررسی برجسته ترین شاخصهای مدارا نسبت به تفاوتها پرداختند. ابعاد مدارا در این تحقیق شامل مدارای عقیدتی، مدارای گفتگو و مدارای عملی بود. گیلینگ و همکارانش (۲۰۱۰) با استفاده از **تئوری حوزه اجتماعی شناختی و تئوری هویت اجتماعی**، مدارای اجتماعی نسبت به مسلمانان را مورد بررسی قرار دادند.

- به نظر میرسد در تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است مدارای اجتماعی عنوان یک ، به خصیصه و ویژگی دیده شده است که بر عامل بار شده است. در که صورتی بر مبنای نظریه ساختیابی، گمان ما بر این است که مدارای اجتماعی یک وضعیت است که در یک بستر مناسب رخ میدهد و این بستر خود بخشی از فرایند مدارا است و نه از عوامل بر آن. مؤثر وضعیتی که محصول همسازی ساختار و عاملیت است

۲-۶ نظریه گیدنز ساخت یابی

- چنانچه ریتزر (۳۶۱-۳۶۲: ۱۳۸۹) بیان می کند عملکردهای اجتماعی نیز به طور ذهنی توسط کنشگر یا شرایط اجتماعی ساختاری که کنشگر در آن قرار دارد خلق نمی شوند، بلکه عملکردها و ساختار به طور همزمان توسط کنشگر خلق میشود.
- در اواخر دهه نیاز شدید به ۱۹۶۰ نظریه ای وجود داشت که بتواند به تعریف و تبیین و فهم شرایط جاری کمک کرده و اوضاع و احوال موجود را قابل فهم کند (پارکر، ۱۳۸۷، ۱۷) دوره «نظریه ساخت یابی»، بعد از یک دهه آشفتگی نظری، در اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود. واژه یابی ساخت در نیمه دهه ۱۹۶۰ به فرهنگ نظریه اجتماعی راه یافت و گیدنز در دهه ۱۹۶۰ این نظریه را ارائه کرد. (همان: ۲۷)

•



- گیدنز در محافل علمی و آکادمیک و برای اهل جامعه شناسی، بیش از همه به دلیل نظریه ساخت یابی و نگرانه نگاه کل به جامعه های مدرن شناخته میشود (Gill, 2009) **واژه ساختیابی در اصل فرانسوی است و در زبان انگلیسی معادل ندارد و گیدنز آن را از زبان فرانسوی به عاریت گرفته است.** این نظریه توجه خود را به تنظیم ساختار کنشهای متقابل بین اعتقادات، نیت، اهداف، گزینشها و کنشهای فردی و جمعی انسانها از یکسو و شرایط ساختاری اندیشه و عمل از سوی دیگر معطوف میسازد (Bryant, 1991: 22) مساله کنش و ساختار یکی از چالشهایی است که نظریه پردازان گوناگونی به آن توجه کرده و بر یکی از این دو تأکید بیشتری داشته اند.

- چنانکه نظریه‌هایی همانند ساختارگرایی، نظریه سیستمی، پساساختارگرایی بیشتر بر ساختار تأکید کرده و سنت هرمنوتیک و پدیدارشناسی بیشتر به کنش پرداخته‌اند. یکی از بلندپروازیهای گیدنز در صورتبندی نظریه‌ی ساختیابی که در کتاب ساختار جامعه به آن می‌پردازد این است که به دو امپراتوری کارکردگرایی و ساختارگرایی پایان داده شود: در نظریه ساخت یابی، حیطه اصلی مطالعه علوم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند (لکزایی، ۱۳۸۹، ۸۷؛ کسل، ۱۳۸۷، ۱۲۷)

دو امپراتوری کارکردگرایی و
ساختارگرایی

- از نظر گیدنز، تقسیم‌بندی اساسی در جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی همان است که میان دو رویکرد به تحلیل اجتماعی وجود دارد: **رویکرد عامل محور و رویکرد ساختار محور**. وی معتقد است که پنداشت جامعه‌شناسان از عاملیت و ساختار دیدگاه‌های گسترده‌تر اجتماعی-تاریخی و تجربی آنان را شکل خواهد داد (سیدمن، ۱۹۰، ۱۳۹۲) هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ، باید کنش یا عاملیت را با ساختار مرتبط سازد (Giddens, 1984: 219) اساس نظریه گیدنز نه تجربه کنشگر فردی (همچون کنش متقابل نمادین) و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی (همچون نظریه کارکردگرایی ساختاری) بلکه اعمال اجتماعی است که در راستای «**زمان و مکان**» سامان می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۷۴، ۶۰۱).

- این نظریه، یک **نظریه تلفیقی** است. در نظریات تلفیقی دو قطبی سازه‌های رایج نفی میشوند و با نفی هر دو سوی قطببندی، به طرحی ترکیبی میرسند که در آن دو طرف به سازش رسیده‌اند. این نکته به تفکر بازاندیشی اجازه میدهد که مسائل را به طور متفاوت شکل دهد و به جای علیت یک جانبه، به علیت تعاملی اعتقاد داشته باشد. ویژگی اصلی این علیت تعاملی، فرکانسی بودن آن است. **به طوریکه علت و معلول، مدام جایگزین یکدیگر میشوند** و یک دو علیتی به صورت رفت و برگشت ایجاد میکنند. بر این اساس، گفته شده که میتوان از نوعی تأثیرگذاری متقابل سخن گفت که در چارچوب آن ابتدا عامل یک، زمینه ساز عامل دو و سپس عامل دو، زمینه‌ساز تداوم عامل یک میشود (علمداری، ۱۳۸۵، ۶۸-۶۹. لکزایی، ۱۳۸۹، ۸۲)



استیون سیدمن

- رابطه بین کنش و ساختار، رکن محوری مفهوم گیدنزاست. نظریه ساخت یابی دو ویژگی «**ساختار**» را برای بیان نظریه اش به کار میبرد. به این معنا که ساختارهای اجتماعی هم به وسیله عاملین انسانی شکل میگیرند و هم واسطه ای برای این شکل گیری هستند (الیوت و ترنر، ۱۳۹۰، ۵۲۰) در واقع ساختارها را انسانها ایجاد میکنند، اما آنها هم کنش انسانی را محدود و امکانپذیر میسازند (کیویستو، ۱۳۸۲، ۲۰۲) به زعم وی افراد، سازنده جامعه هستند اما جامعه نیز محدود و مقیدشان میکند. گر چه کنش و ساختار معمولاً مفاهیمی متضاد تلقی میشوند اما در واقع دو روی سکه اند و نمیتوان آنها را جدا از هم تحلیل کرد. (جلائپور و محمدی، هدف او وفاق میان ساختار از یکسو و نیز اراده و استقلال کنشگران از طریق توسعه فهمی دیالکتیکی از رابطه کارگزار و ساختار از سوی دیگر است (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، ۳. سیدمن، ۱۳۹۲، ۱۹۱)

وفاق میان ساختار

اراده و استقلال کنشگران

- نظریه ساخت یابی تلاش می کند رابطهای پویا بین عاملیت و ساختار برقرار کند. بسترها خودشان را از طریق کنشهای عاملیت ابراز میکنند و در فرایند بازاندیشانه عاملیت و ساختار است که بستری برای وضعیت مدارا فراهم شده و رفتار مداراجویانه تولید و بازتولید می شود. آنچه که این رابطه ی پویای بین عاملیت و ساختار را ایجاد می کند آگاهی است. آگاهی از منافع خود و دیگری که تعهد با خود به همراه دارد و بستر ساز مدارا است؛

وضعیت مدارا

- به عبارت دیگر آگاهی از انتظارات ساختار از عاملیت و عاملیت از ساختار به همراه همسازی عاملیت و ساختار، بستر ساز کنش مداراجویانه است. اگر عاملیت و ساختار با هم همسازی داشته باشند، مدارای اجتماعی به منصف ظهور میرسد.

روش پژوهش شناسی

- این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام گرفته و واحد تحلیل در آن فرد بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان {۱} ۱۸-۲۹ سال {۲} ، ساکن در مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان گانه بودند.

- {۱} تعاریف نهادهای بین المللی از جوانی بسته به شرایط متغیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوت و به اقتضای اهداف و کارکردهای مختلف متفاوت است؛ مثلاً کنوانسیون حقوق کودک شخص زیر ۱۵ سال را کودک میدانند. در سطح ملی هم این تنوع و تفاوت قابل توجیه است و تحقیقات متعددی دامنه سنی ۱۵-۲۹ را برای جوانی در نظر گرفته اند (ذکایی، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۶؛ آهنگوبنژاد، ۱۳۸۸؛ ربانی و شهابی، ۱۳۹۱؛ زاهدی و لطفی، ۱۳۹۱؛ موحد و همکاران، ۱۳۹۳؛ مهرجردی و همکاران، ۱۳۹۳)
- {۲} لازم به ذکر است که آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران برای گروههای سنی ۸ ساله است و برای محاسبه تعداد افراد ۱۵ و ۱۹ ساله، با توجه به تعداد افراد گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، این مقدار را بهطور نسبی به دست آوردیم.

•

- کلاین (۲۰۱۰) معتقد است **در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است** و حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است. با توجه به تدوین ۲۶ گویه برای سنجش مدارای اجتماعی، حجم نمونه ۵۲۰ تعیین گردید که با توجه به احتمال مخدوش بودن برخی از پرسشنامه ها، پاسخهای یکدست به سؤالات و ناتمام گذاشتن پاسخنامه، تعداد پرسشنامه های توزیع شده به ۶۳۰ عدد افزایش داده شد که از این تعداد، ۵۹۸ پرسشنامه امکان تجزیه و تحلیل را دارا بود.

•

- نمونه گیری به تفکیک **جنس، گروههای سنی و منطقه محل سکونت** به شیوه تصادفی طبقه ای نسبی انجام شد. توزیع جمعیت بر حسب حجم نمونه در ابعاد کوچکتر بازسازی شد و پس از تقسیم تعداد افراد در هر واحد جمعیتی به کل جمعیت، عدد به دست آمده در تعداد نمونه ضرب شد تا به هر واحد تعداد مشخصی اختصاص یابد و پرسشنامه ها بر همین اساس بین پاسخگویان توزیع شد

- توزیع پاسخگویان بر حسب جنس و وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال و تحصیلات در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده است. برای تعیین پایایی به روش بازآزمایی یک نمونه ۴۰ نفره شامل ۳۰ زن و ۲۰ مرد و برای پایایی سنجی به روش سازگاری درونی از یک نمونه ۰۶ نفری مستقل شامل ۳۶ زن و ۳۶ مرد استفاده شد. افرادی که در مطالعه اعتبار شرکت داشتند، از نمونه ای که در مطالعه پایایی مورد بررسی قرار گرفتند، کاملاً مستقل بودند.

- ۳. بررسی پایایی پرسشنامه مدارای اجتماعی اصطلاح پایایی که گاهی اوقات مترادف با قابلیت اعتماد، ثبات، همسانی، قابلیت پیش بینی، دقت یا صحت و اعتبار به کار میرود، به معنی ثبات اندازه ها در دفعات اندازه گیری است (ازکیا، ۱۳۵۲: ۸۱۸). برای تعیین پایایی ابزار در این تحقیق، از دو شیوه سازگاری درونی و بازآزمایی

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

متأهل	مجرد	وضعیت تأهل	
		جنسیت	
۹۴ ۱۵/۷	۲۰۵ ۳۴/۳	زنان	فراوانی درصد
۸۶ ۱۴/۴	۲۱۳ ۳۵/۶	مرد	فراوانی درصد
۱۸۰ ۳۰/۱	۴۱۸ ۶۹/۹	جمع	فراوانی درصد

جدول ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب تحصیلات و وضعیت اشتغال

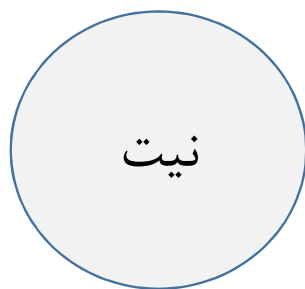
حوزوی	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	تحصیلات / وضعیت اشتغال	
							شاغل	غیر شاغل
۲ ۰/۳	۳ ۰/۵	۱۶ ۲/۷	۹۴ ۱۵/۷	۴۱ ۶/۹	۱۲۹ ۲۱/۶	۱۹ ۳/۲	فراوانی درصد	
۲ ۰/۳	۳ ۰/۵	۱۳ ۲/۲	۶۸ ۱۱/۴	۴۷ ۷/۸	۱۲۷ ۲۱/۲	۳۵ ۵/۸	فراوانی درصد	
۴ ۰/۷	۶ ۱	۲۹ ۴/۸	۱۶۲ ۲۷/۱	۸۸ ۱۴/۷	۲۵۶ ۴۲/۸	۵۴ ۹	فراوانی درصد	جمع

۳-۶ تعریف مدارای اجتماعی

- به علت فقدان رهنمودهای شناختی روش در کاربرد نظریه یابی ساخت در تحقیقات تجربی، چالش اساسی ما نقطه شروع بود. به همین دلیل در ابتدا مقالاتی را بررسی کردیم که از نظریه یابی ساخت به طور تجربی استفاده کرده بودند. همان طور که ویتینگتون (۱۹۹۲) بیان می کند تحقیقاتی که با نظریه ساختیابی انجام شده باشد بسیار کم است؛ اما در تحقیقاتی که متنی بر این نظریه انجام شده است. سه مفهوم غالب وجود دارد. دوسویگی یا دوجویی بودن ساختار، آگاهی پذیری کنشگران و روابط زمان- مکان. دوسویگی یعنی هم عناصری از ساختار در آنها وجود دارد (دلالت، سلطه و مشروعیت) و هم عناصری از عاملیت (ارتباطات، قدرت و کنش). اگر آنچه گیدنز در مورد ساختارها که متشکل از مجموعه ای از قواعد و روال هاست را بپذیریم؛ بنابراین تعامل بین ساختار و عاملیت میتواند به طور تجربی و با تمرکز بر نظم رفتاری و تغییرات آنها قابل بررسی باشد

- با توجه به محوریت نظریه یابی ساخت گیدنز در این پژوهش، تلاش بر این بوده است که مدارای اجتماعی در ارتباط دوسویه با تعامل عاملیت و ساختار تعریف و تبیین شود. غالباً تصور بر این است که عاملیت **فقط بر حسب مقاصد** تعریف می شود؛ یعنی برای این که رفتار مشخصی، کنش (در اینجا مدارا) محسوب شود، شخصی که آن را انجام میدهد باید چنین نیتی داشته باشد.

•



- این دیدگاه تا حدی معقول است و برای برخی کنشهای هدفمند مثل خودکشی کاربرد دارد. در این دیدگاهها عاملیت با **توصیف عمل** یکی گرفته شده است؛ اما بر طبق نظر گیدنز، عاملیت به معنی نیت و مقاصدی نیست که افراد در انجام کارها دارند، بلکه در درجه اول به معنی توانایی آنها برای انجام این کارهاست. به این معنی که فرد میتواندست طور دیگری رفتار کند و دقیقاً به همین دلیل است که **عاملیت با قدرت تعریف میشود.**



• اگر بخواهیم تعریفی از مدارا کارکردگرایانه ارائه دهیم، بحث انطباق با ساختارها مطرح میشود. پذیرش انفعالی و اطاعت صرف از ساختارها تعبیر به رفتار مداراجویانه شده و گرنه عدم پذیرش و تبعیت و غیرهمسازی به رفتار غیرمداراجویانه تعبیر می شود؛ اما از دیدگاه ساخت یابی مدارا به هماهنگی و همسازی ساختار و عاملیت تعبیر میشود. اساساً **واژه انطباق و پذیرش** که با نگاه کارکردی مدارا تعبیر میشود، در نگاه نظریه ساختیابی به همسازی و همزیستی تغییر میکند.

- بنا به تفسیر کسل (۱۳۹۲) از نظریه گیدنز، تشکیل کنش متقابل را میتوان به مثابه **فعالیت یافتن حقوق و به اجرا گذاشتن تعهدات** درک کرد. چیزی که برای هر یک از طرفین تعامل، حق است برای دیگری اجبار است. نمیتوان حقوق و انتظارات عاملیت را نادیده گرفت و همچنان انتظار داشت به تعهدات خود در قبال ساختارها پایبند بماند؛ بنابراین برای به فعلیت درآمدن مدارای اجتماعی، نیاز به همسازی تعهدات و حقوق است

همسازی تعهدات و حقوق

- مدارای اجتماعی به معنی «**وضعیتی**» است که فرد بتواند تعهداتی را بهجا آورده و به حقوقی دست یابد. زمانی که انتظار بر این باشد اجبار یا تعهد خاصی بدون برآورده شدن حقوق طرف مقابل مورد پذیرش قرار گیرد، عاملیت از پذیرش آن سر باز زده، در پی دستیابی به حقوق خود و برآورده شدن انتظارات خواهد بود. در این شرایط است که نظم مختل میشود. نادیده انگاشتن حقوق و انتظارات هر یک از طرفین تعامل، چالش هایی را ایجاد می کند. عامل به دنبال منافع و مرتفع کردن نیازهای خود، مسیرهای خلاقانه ای را انتخاب میکند و راه برای رفتارهای خلاقانه بدون چارچوب باز میشود.

رفتارهای خلاقانه

- این عاملیت محوری میتواند منجر به آناشری شود. از طرف دیگر ساختار محوری نیز موجب دیکتاتوری شده و جامعه دچار **ایستایی** می‌ود. ش در این صورت فرایند بازاندیشانه ای که باید بین عاملیت و ساختار باشد و منجر به شکلگیری کنشی شود که هم به نفع عاملیت و هم به نفع ساختار است و انتظارات هر دو را برآورده میکند، شکل نمیگیرد. وضعیت مدارای اجتماعی دو رو دارد: ساختار و عاملیت. هر چقدر همسازی این دو رویه با هم بیشتر باشد، ساختاربندی قویتر است و بستر بهتری برای کنش مداراجویانه فراهم میشود

کنش مداراجویانه

• بنابراین اجتماعیمدارای وضعیتی است که افراد ضمن آگاهی نسبت به منافع دیدگاه دارای خود و جامعه و انتظارات ها و روش های زندگی متفاوتی بوده و در یک اجتماع واحد همزیستی و همسازی دارند. مدارا سازهای اجتماعی است که در فرایند بازاندیشانه عاملیت با ساختار، در هر سیستم اجتماعی تولید و بازتولید میشود. در واقع در فرایند بازاندیشی بین عاملیت و ساختار، مدارا ساخت و برساخت میشود. خصیصه عاملیت پویایی و خصیصه ساختار پایداری را ایجاد میکند نی؛

- بنابراین می توانیم بگوییم مدارا پویا و پایدار است. مدارای اجتماعی **درک و پذیرش نیازهای ساختار و عاملیت از یکدیگر** است و به واسطه هماهنگی ساختار و عاملیت پدید می آید. هماهنگی به این معنا که نیازهای عاملیت و ساختار را به رسمیت بشناسیم. مدارای اجتماعی، جنبه ساختاری و عاملیتی دارد و ترکیبی از توانایی خلاقانه (به نفع فرد) و توانایی عقلانی (به نفع جامعه) را با خود به همراه دارد.

۲-۳ اعتبار پرسشنامه

۱-۲-۳ اعتبار محتوا

- اعتبار محتوای یک ابزار اندازه گیری به **سؤالهای تشکیل دهنده آن** بستگی دارد. اگر سؤالهای ابزار، معرف ویژگیها و مهارتهای ویژه ای باشد که محقق قصد اندازه گیری آن را داشته باشند، آزمون دارای اعتبار محتوا است (ببی، ۱۳۸۱، ۲۷۵) برای اطمینان از اعتبار محتوا، پس از مطالعه پیشینه نظری و تجربی به طور کامل و مشخص کردن ابعاد مدارای اجتماعی، تلاش شد تا گویه ها به صورتی طراحی شود که متناسب با مفهوم آن بعد باشد. طی چندین مرحله، گویه ها براساس معیارهای رعایت دستور زبان فارسی، استفاده از واژه های مناسب، قرارگیری عبارات در جای مناسب خود با اساتید متخصص و صاحب نظر در این زمینه بازخوانی و مورد اصلاح قرار گرفت.

ابعاد مدارای اجتماعی

۳-۲-۲ اعتبار صوری

- مفهوم اعتبار صوری بر ارزیابی ذهنی پژوهشگر از اعتبار وسیله اندازه‌گیری استوار است و در عمل با این سؤال سروکار دارد که آیا وسیله اندازه‌گیری، واقعاً آن چیزی را که محقق می‌خواهد اندازه‌گیری میکند (از کیا، ۱۳۸۲، ۸۶۱) برای تعیین اعتبار صوری ابتدا با ۱۰ نفر از دانشجویان دکتری جامعه‌شناسی، در رابطه با سطح دشواری، میزان تناسب و ابهام در مورد کلمات، عبارات و جملات ابزار مشورت شد. پس از اصلاح این موارد، در گام بعد به‌منظور کاهش و حذف عبارت نامناسب و همچنین تعیین اهمیت هر یک از گویه‌ها، از نظرات افراد متخصص و صاحب‌نظر در این مرحله با چند نفر از اساتید صاحب‌نام جامعه‌شناسی و صاحب‌نظر در حوزه مدارا و روش تحقیق مشورت شد

آیا وسیله اندازه‌گیری، واقعاً آن چیزی را که محقق می‌خواهد اندازه‌گیری میکند

- پس از اصلاح این موارد، در گام بعد به منظور **کاهش و حذف عبارت نامناسب** و همچنین **تعیین اهمیت هر یک از گویه ها**، از نظرات افراد متخصص و صاحب نظر در زمینه طراحی ابزار استفاده گردید. به منظور اطمینان از شیوه صحیح نگارش و جمله بندی منطقی برای نوشتن عبارات پرسشنامه، عبارات توسط گروه تحقیق چند بار بازخوانی و نظرات ایشان اعمال شد

۳-۲-۳ سازه اعتبار

- اعتبار سازه بر این مطلب تأکید میکند که آزمون تا چه اندازه سازه نظری یا صفت مورد نظر، را اندازه می گیرد. (شریفی، ۱۳۸۰، ۲۴۸) با بررسی اعتبار سازه، محقق درصدد **آزمون انطباق بین سازه نظری و سازه تجربی** تحقیق میباشد. روش نظری که برای نیل به این هدف در نرم افزار SPSS تعریف شده، روش تحلیل عاملی است که یکی از متداولترین روشها جهت تعیین میزان اعتبار سازه در ابزار سنجش میباشد (حبیبپور و صفری شالی، ۱۳۹۰، ۳۰۴)

- تحلیل عامل روشی مناسب برای رشته‌های از **متغیرهای فاصله ای** میباشد. این روش برای تقلیل مجموعه‌های بزرگ از متغیرها به مجموعه‌های کوچک از متغیرهای اساسی که عامل خوانده میشود، به کار میرود (دواس، ۱۳۸۱، ۲۵۳-۲۵۴).

- بررسی اعتبار ابزار سنجش مدارای اجتماعی و تعیین ابعاد آن، از رویکرد تحلیل عاملی اکتشافی و شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده گردید. تحلیل عاملی اکتشافی زمانی به کار میرود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش تجربی برای تشکیل فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد. برآوردهای مربوط به آن (شاخص کفایت نمونه ای (KMO0) آزمون کرویت بارتلت، مقدارویژه، نمودار سنگریزه و بارهای عاملی) به تفکیک در زیر ارائه شده است

جدول ۳: برآوردهای مربوط به عامل پذیری معرفها

مقدار	شاخص	
۰/۸۷	KMO	
۴۸۴۳/۳	کای اسکوئر	آزمون کرویت بارتل
۲۷۶	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

- بر حسب مقادیر برآورد شده در جدول بالا: (۱) مقدار شاخص KMO بیانگر این است واریانس معرفیها تحت تأثیر واریانس مشترک عامل یا عاملهایی است، به عبارت دیگر به اندازه کافی در نمونه مورد مطالعه همبستگی جهت اجرای تحلیل عاملی وجود دارد {۱} (۲) مقدار آماره آزمون کرویت بارتلت و سطح معناداری این آزمون نشاندهنده این است که ماتریس همبستگی بین معرفیها یک ماتریس واحد و همانی {۲} نیست و به عبارت دیگر معرفیها عاملپذیر هستند
- {۱} منظور از کفایت نمونه ای برای شاخص KMO کافی یا ناکافی بودن حجم نمونه نیست، بلکه معنای آن این است که آیا در نمونه مورد مطالعه به اندازه کافی کوواریانس یا همبستگی بین معرفیها جهت اجرای تحلیل عاملی وجود دارد یا خیر؟
- {۲} ماتریس واحد و همانی ماتریسی است که در آن، مقدار عناصر قطری برابر با (۱) و مقدار عناصر غیر قطری برابر با (۰) است

جدول ۴: برآورد مقدار ویژه عامل‌های مدارای اجتماعی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تعیین شده
اول	۶/۹	۲۸/۸
دوم	۳/۹	۱۶/۳
سوم	۱/۷	۷/۲

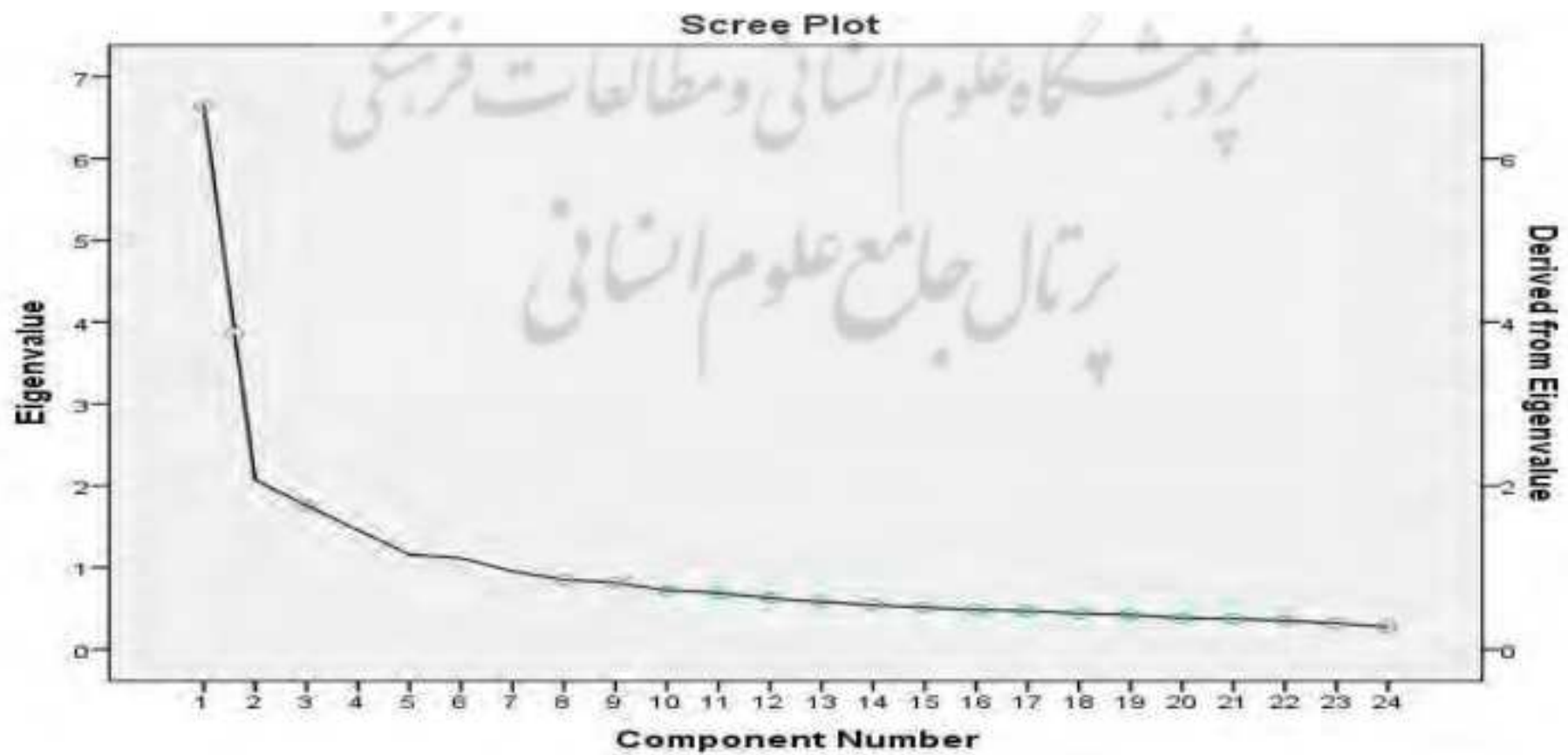
- مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است که عاملهای تجویزی استخراج شده در $52/3$ درصد از واریانس معرفهای مربوط به مدارای اجتماعی را تبیین میکنند؛ به عبارت دیگر عامل اول با شش معرف $28/8$ درصد، عامل دوم با معرف سیزده $16/3$ درصد و عامل سوم با پنج معرف $7/2$ درصد از واریانس معرفهای مدارای اجتماعی را تبیین می کند.

جدول ۵: برآورد مقادیر بارهای عاملی ابعاد مدارای اجتماعی

عامل‌ها			معرف
۳	۲	۱	
انتظارات ساختار از عاملیت	همسازی ساختار و عاملیت	انتظارات عاملیت از ساختار	
-	-	۰/۶۶	در جامعه ما افرادی که در اقلیت هستند می‌توانند با گروه اکثریت مخالفت یا از کار آن‌ها انتقاد کنند.
-	-	۰/۶۹	در جامعه ما با افراد منتقد، سازش می‌شود.
-	-	۰/۶۷	در زمینه تصمیم‌گیری در امور مربوط به شهروندان، به نظر خود مردم اهمیت داده می‌شود.
-	-	۰/۷۰	ملاک و معیار استخدام در جامعه ما از اعتقادات و گرایش‌های فرد، جداست.
-	-	۰/۴۹	در کشور ما روزنامه‌ها و مجلات مختلفی با گرایش‌های متفاوت وجود دارد.
-	-	۰/۵۱	در جامعه ما برای کسب مدارج بالاتر، توانمندی فرد، مهم‌تر از داشتن رابطه با افراد صاحب نفوذ است.

-	۰/۷۳	-	دستورات دینی ما به گونه‌ای است که امکان ارتباط با افرادی از دین‌های دیگر وجود دارد.
-	۰/۷۷	-	قواعد دینی ما اجازه می‌دهد پیروان ادیان دیگر، عقاید خود را بدون درگیری با دیگران، تبلیغ کنند.
-	۰/۷۷	-	قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی واقع‌بینانه است و به راحتی می‌توانیم آن را رعایت کنیم.
-	۰/۶۱	-	قوانین برخورد با جرم به سرعت و دقت اجرا می‌شوند و مردم نیازی نمی‌بینند به صورت شخصی حق خود را بگیرند.
-	۰/۵۸	-	برنامه‌ریزی جامعه برای خانواده‌ها به گونه‌ای است که تعارضات بین زن و مرد کاهش پیدا کرده است.
-	۰/۷۲	-	در جامعه ما شرایطی به وجود آمده که تعارض و تضاد بین گروه‌های قومی مثل فارس، ترک، کرد و لر کاهش پیدا کرده است.
-	۰/۶۹	-	زمینه‌های مناسبی برای اظهارنظر و نقد در جامعه فراهم شده است.
-	۰/۷۹	-	در جامعه ما افراد با عقاید و دیدگاه‌های متفاوت به راحتی کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.
-	۰/۵۸	-	مردم می‌توانند بدون تنش و اضطراب، خدمات مورد نیاز خود از سازمان‌ها و ارگان‌ها را دریافت نمایند.
-	۰/۶۵	-	اجرای قوانین و مقررات در جامعه به نحوی است که افراد نیازی به دادن رشوه و پیدا کردن پارتی برای رسیدن به خواسته‌هایشان ندارند.
-	۰/۷۷	-	اگر در زمینه ارتباط ارباب رجوع با ادارات مشکلی به وجود بیاید، با مراجعه به قوانین و مقررات به راحتی می‌توان آن را حل کرد.
-	۰/۵۳	-	جامعه ما به سمت کاهش نابرابری و عدالت پیش می‌رود.
-	۰/۶۴	-	با مجازات‌هایی که برای جرمی مانند دزدی، اسیدپاشی، قتل و ... در نظر گرفته شده، راه برای انجام این جرایم بسته شده است.

۰/۸۰	-	-	انتشار دیدگاه‌های مختلف و متفاوت در جامعه همراه با محدودیت است.
۰/۶۵	-	-	اگر قرار باشد جامعه نظرات مختلف مردم را تحمل کند، نمی‌تواند مدت زیادی دوام بیاورد.
۰/۷۵	-	-	در جامعه ما قوانین برای همه یکسان اجرا می‌شود.
۰/۷۲	-	-	گاهی خشونت بهترین راه ممکن در برابر اختلاف عقاید است.
۰/۴۳	-	-	قانون اهمیت بیشتری از سلیقه‌های شخصی دارد.



نمودار ۱: سنگریزه (اسکری پلات)

- با توجه به نمودار شیب دامنه عوامل که در بالا مشاهده میشود و مقادیر ارزشهای ویژه بالاتر از یک، سه عامل استخراج شده است؛ به عبارت دیگر **مقدار ویژه هر عامل** که به معنی سهم نسبی آن عامل از کل واریانس تمامی متغیرهای تحقیق است در صورتی معنادار و مورد قبول است که برابر یا بالاتر از یک باشد و چنانچه در بالا نیز قابل رؤیت است عامل نخست با مقدار ویژه $6/9$ ، عامل دوم با مقدار ویژه $3/9$ و عامل سوم با مقدار ویژه $1/7$ به جهت اینکه سطح قابل اعتنایی از واریانس کل مقیاس را تبیین میکنند قابلیت پذیرش به عنوان عوامل اصلی را دارا هستند. نتایج به دست آمده از تحلیل عوامل نشان میدهد که پرسشنامه مدارای اجتماعی دارای اعتبار سازه است

قابلیت پذیرش

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد عوامل استخراج شده از پرسشنامه مدارای اجتماعی

عوامل	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
میانگین	۳/۱۷	۳/۲۲	۳/۳۱
انحراف معیار	۰/۷۵	۰/۶۱	۰/۷۳

- جدول میانگین و انحراف معیار سه عامل استخراج شده از پرسشنامه مدارای اجتماعی یعنی **انتظارات عاملیت از ساختار**، **همسازی انتظارات ساختار از عاملیت**، **ساختار و عاملیت** را نشان می دهد که در بالاترین میزان برای عامل انتظارات ساختار از عاملیت (میانگین $3/31$ و انحراف معیار $3/71$) تا پایینترین میزان برای عامل انتظارات عاملیت از ساختار (میانگین $3/17$ و انحراف معیار $0/75$) در نوسان است.

- بنابراین ابعاد مدارای اجتماعی در این تحقیق بر مبنای تحلیل عاملی اکتشافی شامل
 - ۱- همسازی ساختار و عاملیت (ساخت یابی)،
 - ۲- انتظارات عاملیت از ساختار و انتظارات
 - ۳- ساختار از عاملیت میشود که در زیر هر کدام از این ابعاد به صورت مختصر تعریف شده است.



همسازی ساختار و عاملیت:

- هر کنش اجتماعی مستلزم ساختار است و هر ساختاری مستلزم کنش اجتماعی است. عاملیت و ساختار به طرزی تفکیک ناپذیر در فعالیت یا عملکرد در حال تکوین انسانی در هم بافته میشوند (ریتزر، ۱۳۸۹، ۳۰۱) بازاندیشی ویژگی معرف هرگونه کنش انسانی است. قابلیت بازاندیشی عاملان در تعامل روزانه هستند و همه انسانها با های کنش زمینه شان به عنوان عنصر جدانشدنی یشان عملکردها پیوسته در تماس دند، اند (گیدنز، ۱۳۸۴، ۴۴) کنشگر انسانی به هنگام بازاندیشی نه تنها خودآگاه است، بلکه در کنترل جریان فعالیت موجود ها و شرایط ساختاری نیز درگیر است (ریتزر، ۱۳۸۹، ۳۰۲)

- مراد از همسازی ساختار و عاملیت در این تحقیق، رابطهای است که عاملیت و ساختار، هر کدام هویت‌های مستقل خود را دارند، ولی بدون هم نیز نمیتوانند باشند. اگر انتظار داشته باشیم مدارای اجتماعی وضعیت مطلوبی داشته باشد، عاملیت و ساختار باید با یکدیگر ساخت و ساز داشته باشند. این بعد از مدارا، گویه ۱۳ شامل از مقیاس وضعیت مدارای اجتماعی است

هویت‌های مستقل خود



• **انتظارات ساختار و عاملیت از یکدیگر:** گیدنز معتقد است ساختار و عاملیت را میتوان به لحاظ تحلیلی تمیز داد، اما در زندگی اجتماعی در هم بافته میشوند (ساعی، ۱۳۹۰، ۱۲۷) ساختارهای اجتماعی خارج از کنش انسانی دارای هیچگونه پایداری ذاتی نیستند، به دلیل آنکه این ساختارها بر ساخت های اجتماعی هستند.

- از سوی نیز عاملان دیگر، به شیوه ای خلاقانه با خارج کنش، از هایی محدودیت که برای ساختار آنها تعیین کرده است، ساختارهای اجتماعی را تعدیل و اصلاح میکنند. کنشگران براساس وضعیت، کنش را تولید میکنند و برای تولید کنش به قواعد و منابع متوسل میشوند. **قواعدی که ایجادکننده تعهدات برای آنهاست و منابعی که حقوقی برای آنها به ارمغان میآورد.** این قواعد و منابع به واسطه کنش متقابل تولید و بازتولید میشود. این با چیزی که در نظریات کارکردگرایانه تحت عنوان هماهنگ شدن کنشگران با ساختها مطرح میشود، متفاوت است.

هماهنگ شدن کنشگران با ساختها

۳- بررسی پایایی پرسشنامه مدارای اجتماعی

- اصطلاح پایایی که گاهی اوقات مترادف با قابلیت اعتماد، ثبات، همسانی، قابلیت پیشبینی، دقت یا صحت و اعتبار به کار میرود، به معنی **ثبات اندازه ها در دفعات اندازه گیری** است (ازکیا، ۱۳۸۲، ۵۱۵) برای تعیین پایایی ابزار در این تحقیق، از دو شیوه سازگاری درونی و بازآزمایی استفاده گردید. سازگاری درونی ابزار در یک نمونه ۶۰ نفری از جوانان که به صورت تصادفی انتخاب شدند با استفاده از اندازه‌گیری آلفای کرونباخ تعیین گردید. آلفای کرونباخ معرف میزان تناسب گروهی از آیت‌مهاست که یک سازه را میسنجند. **میزان آلفای کرونباخ بین ۰/۷ تا ۰/۸ قابل قبول خواهد بود.**

سازگاری درونی ابزار

- برای تعیین پایایی ثبات ابزار نیز از **روش بررسی آزمون مجدد با فاصله زمانی دو هفته** استفاده گردید و نمرات کسب شده در این دو مرحله با استفاده از شاخص همبستگی درون خوشه ای با هم مقایسه شدند. روش بازآزمایی مناسبترین روش برای محاسبه ثبات ابزار اندازه گیری است (سرمد، ۱۳۸۴، ۱۶۶) همانطور مشاهده که در جدول میشود، پایایی تمام ابعاد مدارای اجتماعی با **ضریب آلفای کرونباخ** بالاتر از ۰/۷ و **ضریب بازآزمایی** بالاتر از ۰/۶ در حد مطلوبی قرار دارد. پایایی کل پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی ۰/۶۹ مطلوب است

جدول ۷: ضرایب پایایی به دو روش همسازی درونی (آلفای کرونباخ) و بازآزمایی

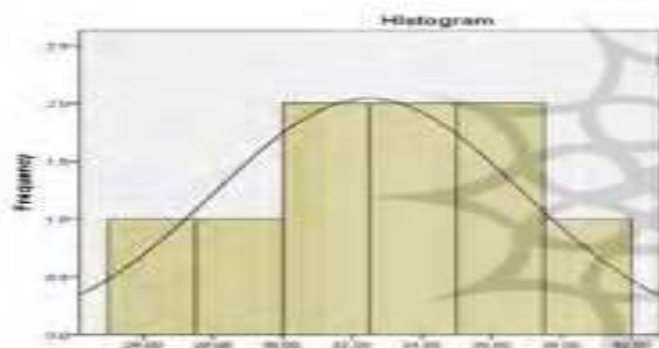
مؤلفه‌های مدارای اجتماعی	تعداد سؤالات	ضریب بازآزمایی	ضریب آلفای کرونباخ
همسازی	۱۳	۰/۶۸	۰/۸۴
انتظارات عاملیت از ساختار	۶	۰/۷۳	۰/۷۷
انتظارات ساختار از عاملیت	۵	۰/۶۵	۰/۶۸
کل پرسشنامه	۲۴	۰/۶۹	۰/۸۸

- نرم ها یا هنجارها وضع نسبی و مرتبه فرد در گروه مرجع (در اینجا جوانان) را مشخص می نرمکنند. ها از سویی، وضع کلی و جایگاه فرد در مقیاس نمره ها و از سوی دیگر برای مقایسه نتایج های آزمون مختلف، اهمیت بسیار دارند. نرم به این امکان را کننده آزمون می دهد که موقعیت آزمودنی را نسبت به توزیع نمره های خام سایر افراد تعیین کند (پاشا شریفی، ۱۳۹۲)

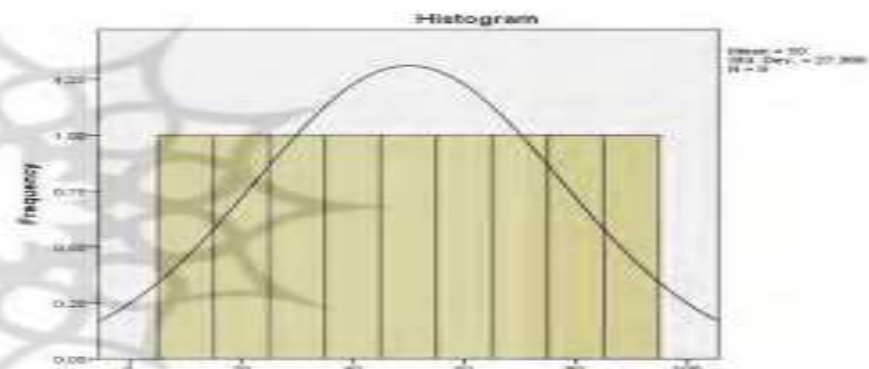
- در جدول ۸ نقاط درصدی و نمره های معادل آن آمده است. **میان نمره های استاندارد** برابر با صفر است که توزیع متقارن دهنده نشان داده است و تصویر آن به تفکیک در شکل های زیر به صورت **نمودار هیستوگرام** آمده است. در زیر برای ارزیابی نمرات یا آزمودن ها به نمرات Z با میانگین صفر و انحراف استاندارد یک تبدیل شد و پس از آن نمرات T با میانگین ۵۰ و انحراف استاندارد ۱۰ ارائه شد

جدول ۸: رتبه‌های درصدی، نمره‌های خام و نمره‌های استاندارد پرسشنامه مدارای اجتماعی

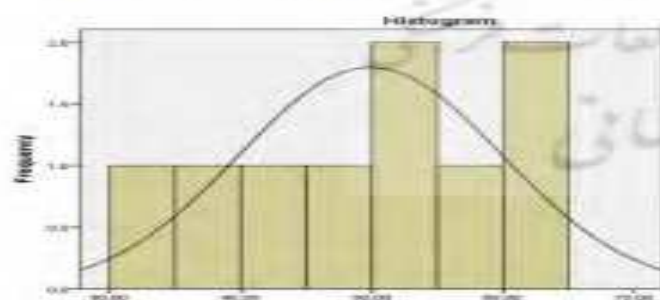
نقاط درصدی	نمره‌های خام	نمره‌های Z	نمره‌های T
۱۰	۲۵	-۱/۶۹	۳۳
۲۰	۲۸	-۱/۰۱	۳۹/۸
۳۰	۳۰	-۰/۵۵	۴۴/۴
۴۰	۳۱/۲	-۰/۲۷	۴۷/۲
۵۰	۳۳	۰/۰۰۲	۵۰
۶۰	۳۳/۷	۰/۲۹	۵۲/۹
۷۰	۳۵/۴	۰/۶۷	۵۶/۷
۸۰	۳۷/۱	۱/۰۵	۶۰/۵
۹۰	۳۸/۷	۱/۴۳	۶۴/۳



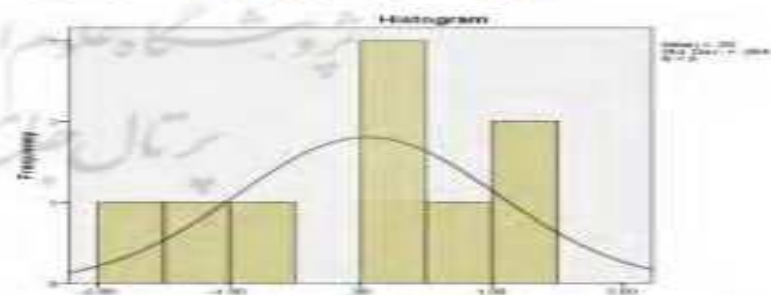
نمودار ۳: هیستوگرام توزیع نمره‌های خام



نمودار ۲: هیستوگرام نقاط درصدی



نمودار ۵: هیستوگرام نمره‌های T



نمودار ۴: هیستوگرام نمره‌های Z

نتیجه گیری

- هدف از مطالعه حاضر، تدوین و سنجشپذیری پرسشنامه مدارای اجتماعی در شهر اصفهان بر مبنای نظریه ساختیابی گیدنز بود. آنچه تاکنون برای سنجش مدارای اجتماعی در تحقیقات مدنظر قرار گرفته است، بهصورت فردی و یکسویه، نگرش (عمدتاً به صورت ذهنی) و میزان تابعیت و تحمل افراد را نسبت به دیگران و ساختارهای کلان مورد سنجش قرار میدهد. در این تحقیقات افراد به صورت منفعلانه نگرش و طرز رفتار خود نسبت به گوناگونی و تفاوت‌های فردی را در زمینه های مختلف اعم از دینی، سیاسی، اعتقادی، جنسیتی و ... بیان میکردند.

conclusion

- همچنین با مطالعه ادبیات نظری مربوط به این مفهوم دریافتیم که این مفهوم، گسترهی وسیعی از زمینه های مختلف نظیر مدارای دینی، قومی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، جنسی، ملیتی، نژادی و حتی مدارا در برابر جرم و مجرمان را در بر میگیرد و متغیرهای متعددی بر روی آن اثرگذار است. علیرغم اهمیت بسیار زیاد این مفهوم، تلاشی برای سنجش جامعه شناختی آن صورت نگرفته است که شاید یکی از دلایل آن، ابهام در فضای مفهومی این واژه باشد.

- در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از نظریه ساختیابی، ضمن ارائه تعریفی شده از مدارا و ساختیابی تعامل ساختار و عاملیت در بستر ساخت یابی، سؤالات برای سنجش مدارای اجتماعی طراحی گردد که این تعامل را مدنظر قرار دهد. تعاملی که در یک بستر پویا می تواند درک ما را از مدارا، شرایط بروز آن و عوامل تقویت کننده یا تضعیف کننده آن بهبود ابزاربخشد و اندازه گیری مهمی را در اختیار فعالین اجتماعی، فرهنگی و تصمیم گیران قرار دهد..

- ارزیابی مقیاس کار بسته در پژوهش با استفاده از انواع **اعتبار محتوا**، **صوری** و **سازه** انجام گرفت. برای اطمینان از محتوا، اعتبار ضمن مطالعه پیشینه نظری و تجربی و ابعاد مدارای اجتماعی، سنجه ها متناسب با مفهوم مدارا طراحی شدند. در مرحله بعد ابزار پژوهش از سوی برخی از صاحب نظران و اساتید حوزه علوم اجتماعی مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفت

- یافته های حاصل از مطالعه حاضر که براساس **نظریه ساخت یابی گیدنز**، گردآوری شده اند، میانگین و انحراف معیار سه عامل استخراج شده از پرسشنامه مدارای اجتماعی (انتظارات عاملیت از ساختار، همسازی ساختار و عاملیت و انتظارات ساختار از عاملیت) در حد **متوسطی** ارزیابی میگردد. وضعیت مدارای اجتماعی که محصول دیالکتیک این تحقیق در کلیت و عام ساختار در نظر گرفته شده است یافته ها، با پژوهشهای عسگری و شارع پور (۱۳۸۸) در باب مدارای اخلاقی - رفتاری؛ تراکارانی (۱۳۸۹) در زمینه مدارای ملیتی، قومیتی، جنسیتی، دینی و محلی؛ گالبی و رضایی (۱۳۹۲) در خصوص مدارای سیاسی، اخلاقی و رفتاری، دینی و ملی؛ ادیبی و همکاران (۱۳۹۱) درباره مدارای اجتماعی و بهشتی و رستگار (۱۳۹۱) نیز همخوانی دارد

- با توجه به اینکه مقیاس ساخته شده با استفاده از رویکرد نظری ساختیابی از این امکان برخوردار است که به طور روی هم هر دو زمان واقعیت اجتماعی را نظاره کند، این رویکرد میتواند درکی جامعتر از یک وضعیت یا **فرایند دوسویه میان عاملیت و ساختار** ارائه سازد که طی آن مفهوم مدارای اجتماعی به نحوی دقیق تر مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. درک تعامل میان ساختار و عاملیت و در عین حال انتظاراتی که هر یک از دیگری برای ظهور و بروز مدارا دارند زمینه برای ارزیابی یا جامعتر این مفهوم در اختیار ما میگذارد. با توجه به مبنای نظری و استانداردهای پیش گفته روش شناختی، مقیاس ساختیابی شده مدارای اجتماعی در تحقیقات جامعه شناختی برای سنجش مدارای اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد

- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر و بهشتی، سید صمد (۱۳۹۱). «مدارای اجتماعی و ابعاد آن». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳ (۵۰): ۳۷۶-۳۵۳.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول. تهران: انتشارات کیهان.
- الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۰). برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر. ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد. چاپ اول. تهران: انتشارات جامع‌شناسان.
- بی، ارل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: انتشارات پویا.
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی». مسائل اجتماعی ایران، ۴ (۲): ۷-۳۵.
- پاشا شریفی، حسن (۱۳۹۲). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی، تهران: رشد.
- پارکر، جان (۱۳۸۶). ساخت‌یابی، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- ترکارانی، مجتبی (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان». جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، ۱ (۳): ۱۵۷-۱۳۳.
- توحید فام، محمد و حسینیان امیری، مرضیه (۱۳۸۸). «تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بوردیو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه‌شناسی جدید». پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴ (۳): ۷۹-۱۰۷.
- جلایی‌پور، محمدرضا و محمدی، جمال (۱۳۸۸). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۱). تفاوت و تساهل، تهران: نشر مرکز.
- حبیب‌پور، کرم و صفری شالی، رضا (۱۳۹۰). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران: انتشارات لویه.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ زالی‌زاده، مسعود و زالی‌زاده، محسن (۱۳۹۳). «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)». جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶ (شماره پیاپی (۶۰): ۱۶۴-۱۴۹.
- دواس، دی‌ای، (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر ثالث.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۰). آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس زمان محور، تهران: نشر دانژه.

سراج‌زاده، حسین؛ شریعتی، سارا و صابر، سیروس (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۴۲-۱۰۹.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات آگاه.

سیدمن، استیون (۱۳۹۲). *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
شارع‌پور، محمود و عسکری، علی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲(۸): ۳۴-۱.

شارع‌پور، محمود؛ آزاد ارمکی، تقی و عسکری، علی (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۱): ۹۸-۶۴.

شریفی، سمیرا (۱۳۹۲). *سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه الزهرا. استاد راهنما: سید یعقوب موسوی.

شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۰). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات سخن.
علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵). *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات‌گرایی و فرا اثبات‌گرایی)*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

علیزاده، محمدجواد (۱۳۸۸). مطالعه مدارای اجتماعی و رابطه آن با سرمایه فرهنگی در بین افراد ۵۰-۱۵ ساله شهر همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد، همدان: دانشگاه بوعلی سینا. استاد راهنما: سلیمان پاک سرشت.

کسل، فیلیپ (۱۳۹۲). چکیده آثار آنتونی گیدنز. مترجم: حسن چاوشیان. تهران: انتشارات ققنوس. کیویستو، پیتر (۱۳۸۰). اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه ی منوچهر صبوری، چاپ دوم. تهران: نشر نی.

گلابی، فاطمه و رضایی، اکرم (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۱): ۸۶-۶۱.

گلابی، فاطمه، حاجیلو، فتانه و امین پور، فرشته (۱۳۹۱). زبان، هویت و مدارای اجتماعی. سلسله مقالات همایش دوزبانگی (چالش ها و راهکارها)، اراک، دانشگاه پیام نور شازند اراک ۲۲۰-۲۱۰.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز. لکزایی، شریف (۱۳۸۹). «مبانی اندیشه ی آنتونی گیدنز: نظریه پرداز ساخت یابی». رهیافت های سیاسی و بین المللی. ۲۴: ۷۵-۹۴.

مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸). روش و نظریه در علوم سیاسی. مترجم: امیرمحمد حاجی-یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مقدس، علی اصغر و قدرتی، حسین (۱۳۸۳). «نظریه‌ی ساختاری شدن آنتونی گیدنز و مبانی روش‌شناختی آن». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۳۱-۱.

مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). *بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران، استاد راهنما: معصومه باقری.

Bryant, C.G.A. and Jary, D. (1991). *Coming to terms with Anthony Giddens. In C.G.A. Bryant & D. Jary (Eds.), Giddens' theory of structuration: A critical appreciation (pp. 1-32). New York, NY: Routledge.*

Dusche, M. (2002). *Liberal tolerance between people(s). Paper presented at the International, Intercultural and Interdisciplinary Conference on Tolerance in the Context of Interculturality and Globalisation, Department of German and Russian, University of Mumbai, India*

Gibson, J.L. (2005). "On the nature of tolerance: Dichotomous or continuous?", *Political Behavior*. No. 27(4): 313-323.

Gibson, J.L. (2006). "Eliminating fifty years of communism, conformity, and civil liberties". *Perspectives on Politics*. No. 4(1): 21-34.

Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*, Cambridge: Polity press.

Giddens, A. (1990). "The structure of the self", In: J. Clark, C., Modgil and S. Modgil (eds), *Anthony Giddens: Consensus and Controversy*, (Basingstoke: Falmer, 1990) P. 313.

- Gielsing, M.; Thijs, J. and Verkuyten, M. (2010). Voluntary and involuntary immigrants and adolescents, endorsement of multiculturalism. *International Journal of Intercultural Relations*, 35(2): 259-267.
- King, P. (1976). *Toleration*, London: George Allen & Unwin.
- Kline, R.B. (2010). *Principles and practice of structural equation modeling (3rd ed.)*. New York: Guilford Press.
- McKinnon, C. and Castiglione, D. (2003). *Introduction: reasonable tolerance*, In: *The Culture of Toleration in Diverse Societies*, McKinnon c. and Castiglione, D. (ed.) UK: Manchester University Press.
- Mondak, J.J. and Sanders, M.S. (2003). "Tolerance and intolerance", 1976–1998. *American Journal of Political Science*. No. 47(3): 492-502.
- Oberdiek, H. (2001). *Tolerance: Between forbearance and acceptance*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
- Peffley, M. and Rohrschneider, R. (2003). "Democratization and political tolerance in seventeen countries: A multilevel model of democratic learning". *Political Research Quarterly*. No. 56(3): 243-257.
- Robinson, J.; Witenberg, R. T. and Sanson, A. (2001). "The socialization of tolerance". In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), *Understanding prejudice, racism, and social conflict* (pp. 73-88). Guildford, Surrey: Biddles.

- Sullivan, J.L. and Transue, J.E. (1999). "The psychological underpinnings of democracy: A selective review of research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital". *Annual Review of Psychology*, No. 50: 625-650.
- Van der Noll, J.; Poppe, E. and Verkuyten, M (2010). "Political tolerance and prejudice: Differential Reactions toward Muslims in the Netherlands". *Basic and Applied Social Psychology*. No. 32(1): 46-56.
- Van Doorn, M. (2014). "The nature of tolerance and the social circumstances in which it emerges". *Current Sociology review*. Vol 62(6): 905-927.
- Verkuyten, M. (2007). "Tolerance of Muslim beliefs and practices: Age related differences and context effects". *International Journal of Behavioral Development*. No. 31(5): 467-477.
- Verkuyten, M. and Slooter, L. (2008). "Muslim and non-muslim reasoning about freedom of speech and minority rights". *Child Development*. No. 79(3): 514-528.
- Vogt, W. Paul (1997). *Tolerance and Education: Learning to Live with Diversity and Difference*. London: sage
- Witenberg, R. T. and Butrus, N. (2012). "Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy". *Journal of Australian Psychological Society*, No. 65: 220-235.